

<p>تلفن: ۸۸۷۶۱۷۴۰ تایمار: ۸۸۷۶۱۲۴۶ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان فرخشهر،شماره ۲۰۸ مصدوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۰۰۰</p> چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه همشهری ۲	
<p>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهیده‌نامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT تهران خیابان فرخشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱) انتشارات موسسه فرهنگي مطبوعاتي ايران: ۸۸۵۴۴۸۹۰۲-۸۵ http://irannewspaper.ir</p>	
<p>اذان ظهر ۱۳/۰۹ اذان مغرب ۲۰/۴۵ نیمه شب شرعی ۰۰/۱۶ اذان صبح فردا ۴/۰۹ طلوع آفتاب فردا ۵/۴</p>	

امام رضا(ع): **مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او آسوده باشند و از ما نیست آن که همسایه اش از شر او در امان نباشد.**

عیون أخبار الرّضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۴

		 نگاره	
		نیما شاه‌میری	
	<div>رونق تولید ملی در گرو منع واردات کالاهاى مشابه</div>		



		 هنرمندان در فضای مجازی	
	<div>با رصد فضای مجازی و پست‌هایی که اهالی فرهنگ و هنر به اشتراک می‌گذارند، عموماً با فعالیت‌ها و آثار تازه‌شان آشنا می‌شویم. شرحی بر بخشی از این فعالیت‌ها را در ادامه می‌خوانید.</div>		

نرگس آبیار با انتشار تصویری از زنده‌یاد وحید اسلامی نوشته است: «**وحید اسلامی** را سال‌هاست که می‌شناختم. در سفری که با گروهی از نویسندگان به کرمان داشتم، با او آشنا شدم؛ بسیار صمیمی و بی‌غل و غش بود. حدود دو سال این‌سلام و علیک ادامه داشت. تا اینکه به‌ او گفتم می‌خواهم تجربه ساختن یک فیلم کوتاه را داشته باشم؛ صرفاً یک تجربه. می‌خواهم امتحان کنم. تا آن موقع می‌نوشتیم و آثاری هم از من به چاپ رسیده بود. وحید چند دقیقه با من در مورد نحوه فیلم ساختن و دکوپاژ صحبت کرد و من بدون داشتن هیچ گونه تجربه‌ای، اولین فیلم کوتاه خود را ساختم. خودش در سه چهار روزی که فیلم کوتاه را می‌ساختم، سر صحنه حاضر شد و کمک کرد. در واقع او اولین معلم فیلمسازی من بود. آن فیلم کوتاه و موفقیت‌های کوچکی که به دست آورد، باعث شد فیلم‌های دیگری بسازم. امروز مفیدم وحید اسلامی در زادگاهش مرودشت از دنیا رفته است. او فقط ۴۴ سال داشت و همیشه آرزوهای بزرگ در سر می‌پروراند. آدمیزاد چیست؟ زندگی، سوگنامه غمگینی است.» **وحید اسلامی** کارگردان، روزنامه‌نگار و منتقد سینما بود که ششماه در سن ۴۴ سالگی بر اثر ایست قلبی در بیمارستان مرودشت از دنیا رفت.

ستاره پسیانی تصاویری از اکران مردمی فیلم «علف‌زار» در شیراز را به اشتراک گذاشته است. او نوشته: «**ممنون** بابت مهمون‌نازیتون، شیرازی‌های عزیز!»
اکران مردمی این فیلم در شیراز با حضور ستاره پسیانی و ترلان پروانه برگزار شد. ستاره پسیانی، سارا بهرامی، مهدی زمین‌پرداز، ترلان پروانه، بسینا میرطهماسب، فرخ نعمتی، رویا جاویدنیا و… از بازیگران «علف‌زار» به کارگردانی کاظم دانشی هستند.

حدیث مبرمینی از تمدید اجرای نمایش «بی‌چرا زندگان» خبر داد است. نوشته لیلی عاج با کارگردانی الهام شعبانی و تهیه‌کنندگی حمیدرضا علی‌نژاد، به مدت یک هفته تمدید شد و تا روز جمعه ۱۷ تیرماه، در سالن قشقایی مجموعه تئاتر شهر میزبان مخاطبان است. در این اثر نمایشی بازیگرانی چون بلدا عباسی، ساناژ نجفی، حدیث میرامینی، حمیدرضا محمدی، آیة کیان‌پور، توماج دانش‌بهرزادی و سمیه برجی ایفای نقش می‌کنند. این نمایش ۸۰ دقیقه‌ای در مورد زندگی یک خبرنگار و اتفاقاتی است که به صورت روزمره برای او رخ می‌دهد.

■ **دیگه چه خبر**

«یک گل ملی» حتی برای آنهایی که اهل فوتبال هم نباشند اما علاقه‌مند و پیگیر آثار طنز سینما و تلویزیون یادآور پژمان جمشیدی است. بازیکن سابق پرسپولیس و تیم ملی که این روزها فیلم «علف‌زار» را روی پرده اکران دارد، برای بلدا مردمی این فیلم به اصفهان رفته است و عکسی با همین مضمون از او در فضای مجازی پانشر شده است.

ایران

صاحب امتیاز:
فرهنگزاری جمهوری اسلامی
سردبیر:
کمیل نقی‌پور

دنبال بینه سازی فرایند تولید نمایشی هستیم

پیمان جلی؛ سیاست ما این است که حداکثر تلاش خود را به کار بگیریم؛ هم برای تقویت رسانه‌ها و هم برای تسهیل عملیات حرفه‌ای‌شان که اگر به تغییر ساختار و قدرت مانور بیشتر نیاز باشد به طور حتم این کار را خواهیم کرد. درباره سریال‌ها باید در حوزه نمایشی توجه بیشتری شود و برای ساخت سریال از طرح و ایده تا شکل‌گیری داستان و فیلمنامه مبتنی بر نیاز جامعه مؤثرتر کار کنیم. درباره روند تولید سریال‌ها باید بگویم که روال تولید کما فی‌السابق ادامه دارد. بررسی طرح‌ها و فیلمنامه‌ها و طرح‌های نمایشی که ارائه می‌شود براساس نیازها ادامه دارد. ما هم‌زمان در حال بینه‌سازی فرایند تولید و ادامه فعالیت تولید نمایشی هستیم. هم باید فرایند را به گونه‌ای اصلاح کنیم که کارآمدتر شود و تولیدات بهتر و جذاب‌تر شود و هم اینکه باید به تعهد آتنن توجه کنیم که دچار کمبود اثر نویی آنتن نشویم.

بخشی از گفته‌های ارفیس صداوسیما در حاشیه مراسم ۱۵ سالگی راه‌اندازی «پرس تی‌وی»مهر

چرخه رکود بازار نشر با نوآوری شکسته می شود

طی سه سال گذشته، در پی شیوع و مواجهه با اپیدمی کرونا دچار مشکلات بسیاری شدیم. به اقتصاد و کسب و کارها آسیبی جدی وارد آمد، عده‌ای بیکار شده و برخی مشاغل به تعطیلی کشیده شد.

اتفاقی که متأسفانه به اشکال مختلف گریبان همه جهان را گرفت. این در شرایطی است که صنعت نشر و اهالی‌اش هم از آن در امان نبودند. الزام‌های بهداشتی که در همه دنیا شاهد آن بودیم برای دوره‌هایی خانه‌نشینی و قرنطینه شهرها را سبب شد. نگرانی مردم از ابتلا به این پاندمی منجر به کاهش رفت‌وآمد آنان به کتابفروشی‌ها شد که در نتیجه‌اش تیراژ آثار هم کاهش یافت.

در یک سال ابتدایی شیوع این بیماری چند مرتبه‌ای قرنطینه اعلام شد و متأسفانه کنفروش‌های جزو فهرست مشاغل ضروری به حساب نیامدند و از تعطیلی‌های ناخواسته در امان نماندند. در این بین نشر با گرفتاری‌های دیگری هم مواجه بود، نوسان قیمت ارز و افزایش عجیب قیمت کاغذ موجب افزایش قیمت کتاب و در نتیجه کاهش توان اقتصادی علاقه‌مندان برای خرید کتاب شد. با این حال حتی طی دو سال ابتدایی شیوع کرونا هم استقبال مردم از برپایی نمایشگاه‌های مجازی کتاب نشان داد که اگر فضای مناسب وجود داشته باشد، علاقه‌مندان به کتاب کم هم نیستند. در کنار همه این مسائل نمی‌توان منکر برخی تغییرات مثبت برآمده از بحران کرونا شد، از آن جمله می‌توان به گسترش فضای مجازی در کسب و کار کتاب اشاره کرد. فارغ از همه این مسائل، حتی در این شرایط هم ناشران حرفه‌ای اجازه ندادند در مسیر تولید کتابشان اختلال چندانی پدید بیاید.

اتفاقی که خود ما در نشر قدیانی حتی در اوج بحران‌هایی که کرونا رقم زد برای آن کوشیده‌ایم. عناوین منتشر شده در مؤسسه انتشارات قدیانی تا سال ۱۳۹۷ به حدود سه هزار عنوان رسیده بود که از سال ۱۳۹۸ تا امروز که در نیمه ابتدایی سال ۱۴۰۱ هستیم بی‌وقفه چرخ تولید کتاب را فعال و پویا نگه داشته و خوشبختانه توانسته‌ایم در مجموع در این بازه زمانی ۳۲۹۱ عنوان کتاب را به بازار عرضه کنیم. از سوی دیگر ما طی چند سال گذشته چند هدف را دنبال کرده‌ایم که از آن جمله تلاش برای ترویج و

یادداشت



نادر قدیانی
ناشر

هنوز هم جایی برای پیرمردها نیست

وقتی پل توماس اندرسون با بر پا کردن آتش و دود عظیم سر صحنه فیلم «خون به‌پا می‌شود» ناخواسته باعث شد تا کار فیلمبرداری «جایی برای پیرمردها نیست» که چند کیلومتر آن طرف‌تر در مافای نگراس در حال انجام بود، متوقف شود، نمی‌دانست که قرار است مدتی بعد رقابت جایزه اسکار بهترین فیلم را به این فیلم بیازد. برادران کونن در آن سال (۲۰۰۷) اسکار بهترین فیلمنامه اقتباسی و بهترین کارگردانی را نیز به خانه بردند و البته خاویر باردم هم مزد زحماتش را گرفت؛ اسکار، گلدن گلوب و بقای بهترین بازیگر نقش مکمل مرد. دوست‌داشتنی‌های سینما در ژانرهای مختلفی کار کرده‌اند: کمدی، تریلر، گنگستری، نوار، جنایی، عاشقانه، جاسوسی و در هر ژانر نمونه‌ای فوق‌العاده از خود جدا گذاشته‌اند، گرچه آنچه بسیاری از مواقع قواعد ژانر را به نفع فیلم، می‌شکنند. برادران کونن یکی از بی‌بديل‌ترین نمونه‌های کارگروهی یا تیم‌ورک هستند به همین دلیل به آنها لقب کارگردان دوسر هم داده‌اند. تیم دوتفره‌ای که اغلب نویسندگی، تهیه‌کنندگی، کارگردانی، تدوین آثارشان را مشترکاً انجام می‌دهند. «جایی برای پیرمردها نیست» دوازدهمین فیلم سینمایی برادران کونن است. فیلم اقتباسی عالی از رمانی به همین نام، نوشته کورمک مک‌کارتی است.

از نوشته‌های این نویسنده فیلمنامه‌های دیگری همچون «جاده» و «همه اسب‌های زیبا» نیز اقتباس و ساخته شده، اما این اقتباس چیز دیگری است. فیلم تریلری جنایی است که داستانش در دهه ۸۰ می‌گذرد. لوئیس ماس (جاش برولین) به طور اتفاقی کیفی ژر پول، از بقایای یک معامله ناکام مواد مخدر پیدا می‌کند. آنتوان چیکور (خاویر باردم) قاتل بی‌رحم مأمور یافتن پول‌ها می‌شود. کلانتراد تام بل (تامی لی جونز) مأمور رسیدگی به این پرونده و چند اتفاق مرتبط با آن می‌شود. بعداً کارلسون ولز (وودی هارلسون) هم از طرف باند تهبکار به ماجرا وارد می‌شود. عناصر یک تریلر جذاب را هم داریم؛ تعقیب و گریز، کشتن، تعلیق. داستان هم ساده است اما روایت سازندگان طوری است که بیش از اینها را می‌بینیم. فیلمی ناب و سینمایی درخشان که برادران کونن با وسواس به جزئیات آن می‌پردازند و زمان زیادی را به شخصیت اصلی فیلم می‌دهند

تا فقط کیف پول را مخفی کند. یا در همان صحنه آغازین و مسبری که ماس طی می‌کند تا با بقایای معامله مواد مخدر تعدادی جنازه روبه‌رو شود، او به آهستگی قدم می‌زند و عجله‌ای برای کشف ندارد به همین سیاق، کارگردان هم عجله‌ای برای گفتن ماجرا و تمام کردن صحنه ندارد. طول نماها بلند هستند و اغلب از لنز واید بهره گرفته شده که این فقط برای به تصویر کشیدن به‌تر مناظر فیلم نیست بلکه آنها (راچر دیکینز فیلمبردار کنار است) کادر عریض و لنز واید را به‌عنوان یک عامل روایتگر فعال به کار می‌برند. فروش ۱۷۰ میلیون دلاری برای فیلمی که فقط ۲۵ میلیون دلار هزینه کرده، نشان از عام‌پسند بودن این اثر فاخر هم دارد.

قلمت در یادها خواهد ماند

کلمه



مازیار معاونی
منتقد سینما

کتاب «تو در قاهره خواهی مُرد» که حدود یک دهه پیش از این به قلم زنده‌یاد حمیدرضا صدر به رشته تحریر درآمده است جنبه دیگری از توانایی‌های مردی را به نمایش می‌گذارد که مخاطبان عام تلویزیون اورا با نقش‌های جذاب و چندسویه‌اش در دنیای فوتبال به یاد می‌آورند و علاقه‌مندان حرفه‌ای‌تر سینما افزون بر این حضور کارزماتیک تلویزیونی، از نقد‌ها و گزارش‌های متفاوت و منحصربه‌فردش در دنیای هنر هفتم هم خاطره‌های بسیار دارند. خواننده‌ای که حمیدرضا صدر را بشناسد و آن شیوه خاص صحبت کردن با حرکات دست‌ها، دایره گسترده و جذاب واژگانی مورد استفاده و اثرژی فراوانی را که به مخاطب منتقل می‌کرد درک کرده باشد تنها با مطالعه همان چند پاراگراف آغازین کتاب «تو در قاهره خواهی مُرد» خود را در همان فضا و اتمسفری احساس می‌کند که با حضور تلویزیونی او تجربه می‌کرد، همان واژگان خاص، همان ساختار منحصربه‌فرد جمله‌بندی و همان توصیفات پکر که کمتر به چشم و گوش خواننده اشناست. علاوه بر اینها و حتی شاید برجسته‌تر و خاص‌تر، استفاده نویسنده از ساختار روایی دوم شخص مفرد است، ساختاری دشوار و کم‌کاربرد که دقیقاً به دلیل همین دشواری ذاتی، نویسندگان زیادی به استفاده از آن رغبت نشان نمی‌دهند. صدر در سراسر کتاب، با خطاب قرار دادن محمدرضا پهلوی (دومین و آخرین پادشاه حکومت ساطق‌شده پهلوی)، خواننده را به یک سفر تاریخی جذاب و چند سویه دعوت می‌کند؛ سفری که مطابق فصل‌بندی کتاب از ۲۷ اسفند ۱۳۴۳ آغاز شده و یک‌سال و سه روز بعد یعنی در روز اول فروردین ۱۳۴۵ به پایان می‌رسد، ۳۶۸ روزی که در فراز میهم از نیمه دوم سلطنت ۳۷‌ساله پهلوی دوم قرار گرفته و با رویدادهای حساس و تعیین‌کننده پس از برگزاری رفراندوم موسوم به «انقلاب شاه‌مملت/ انقلاب سفید» مقارن یا دست‌کم به لحاظ زمانی نزدیک است، رویدادهایی همچون اعتراض گسترده روحانیون به زعامت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره) به مفاد این رفراندوم، حمله عوامل امنیتی رژیم به فیضیه، دستگیری و تبعید امام و در نهایت ترور نخست‌وزیر

حسنعلی منصور در اول بهمن ماه ۱۳۴۳ که جملگی از اظهارات متعاقب همان تغییرات موسوم به رفراندوم بودند. حمیدرضا صدر اما این بازه زمانی کوتاه ۳۶۸ روزه را بهانه و دستمایه قرار می‌دهد تا از مجرای اتفاقات این مقطع زمانی به کل دوران ۳۷ ساله حکومت پهلوی دوم و حتی فراتر از آن به فرازهایی از دوران سلطنت پهلوی اول نفی گسترده بزند، آنچنان که کتاب با یادآوری سفر محمدرضا در اسفند ماه ۱۳۱۷ به مصر برای ازدواج با خواهر ملک فاروق/آخرین پادشاه مصر آغاز شده و نویسنده با توصیفات، تأکیدات و تکرارهای خاص و پربکشم خود فصل‌های مهمی از ۵۷ سال ابتدایی قرن گذشته (دوران حکومت پهلوی‌ها) را ورق می‌زند، یکی از امتیازات استفاده از ساختار روایی دوم شخص مفرد نسبت به دیگر ساختارها، همین امکان خطاب قرار دادن پهلوی دوم و ورود به فضای درونیات و ذهنیات او آن هم از زبان شوای مرحوم صدر است که گوئی در حین مطالعه کتاب خود او را با همان صورت آرام، نجیب و دوست‌داشتنی‌اش می‌بینیم که با همان حرکات دست‌ها و میمیک خاص صورت که از او در لحظه ورزشی‌مان داریم از خواب مرگ برآخته و برپایمان از تاریخ می‌گوید، روحش شاد و یادش پایدار.

عکس نوشت

مراسم تشییع کونیکو یامامورا (سبا بابایی) تنها مادر شهید ژاپنی دفاع مقدس بعد از ظهر شنبه در محراب شهدا برگزار شد. یامامورا مادر شهید محمد عباس و با اصالت ژاپنی است. شهید «محمد بابایی» در بیست و نهم بهمن ماه سال ۴۲ در تهران چشم به جهان گشود. دانشجوی کارشناسی در رشته ریاضی بود و به عنوان بسیجی در جبهه حق علیه باطل حضور یافت. او فروردین سال ۶۲ بر اثر اصابت ترش توپ توسط نیروهای بعثی شهید شد. خبرنگاری صدا و سما



هیچکس نمیدانم تور و نجات بده.

مسئولیت صد درصد این زندگی به عهده تونه.

جوکر

به کارگردانی «متاد فیلیپس»

همکاری هنرمندان، ورزشکاران و جامعه پزشکی برای هدفی ارزشمند

۲۵ خرداد، کمتر از یک ماه قبل حیات مرکز طبی کودکان میزبان چهارمین دوره مسابقات جام جهانی کوچک بود و دور مستطیل سبز پر بود از کودکانی که عده‌ای با سرم‌هایشان، بعضی روی ویلچر و برخی از پشت بنجره‌های بخش، منتظر بودند تا مسابقه فوتبالی را تماشا کنند که شعارش این بود: «این فوتبال رو، همه برنده میشن.»

بازیکنان و قهرمان‌های بزرگ این مسابقه کودکانی با بیماری‌های مزمن بودند و حالا اینجا حضور داشتند تا در کنار هم بتوانند در جام جهانی کوچک بازی کرده و با کمک به یکدیگر حال خودشان و بقیه را خوب کنند.

این مسابقات با هدف بهبود سلامت روانی کودکان و بیمار و انگیزه و امید برای مبارزه بهتر با بیماری‌شان انجام می‌شود و این مسابقه نیز به صورت مشترک توسط گروه سلامت و هنر و دانشگاه علوم پزشکی تهران برگزار شد.

وقتی اسم جام جهانی کوچک می‌آید همه احساس خوشحالی می‌کنند؛ از کودکان بیمار و پدر و مادرهایشان گرفته تا پرسنل بیمارستان و برگزارکنندگان و هرکسی که حتی ذره‌ای در این کار شریک یا شاهد آن بوده و نتیجه کار همان لبخندی شده که روی لب‌های کودکان بیمار نشاندۀ شده است. جام جهانی کوچک، داستان‌های زیادی هم دارد برای تعریف کردن که بعضی خوشحال‌کننده‌اند و بعضی غمگین‌اند. بعضی از کودکانی که در دوره‌های قبلی بیماری‌های سخت داشتند و تحت



درمان بودند حالا در حالی که بیماری‌شان درمان شده بازی می‌کنند و امید می‌دهند به هم تیمی‌های کوچکشان که ابتدای مسیر درمان‌اند. یکی از این قهرمانان کوچک محمدامین است که در دوره‌های قبلی و در حالی که به سختی درگیر بیماری بود آمد و بازی کرد و در آخر با همان دست‌های کوچکش جام را بغل کرد. مادرش می‌گفت محمدامین به عشق فوتبال دروازه‌اش را می‌گرفت و همین فوتبال باعث توپ شدن حال او شد و حالا بعد از چند سال درحالی که سلامتی‌اش را به دست آورده کاپیتان تیم است و حسایی حواسش به هم تیمی‌هایش هست و دوباره جام را بالای سر می‌برد و این جااست که جوان‌های کوچک امید نتیجه می‌دهد.

سه دوره قبلی این مسابقات نیز در سه سال گذشته در مرکز طبی کودکان برگزار شد و هر ساله آنها در کنار سه تیم متشکل از بازیکنان فوتبال، هنرمندان و هیأت رئیسه دانشگاه علوم پزشکی تهران بازی کردند. کودکان که به صورت نمادین نماینده تیم‌های ایران ایالات متحده آمریکا، انگلیس و ولز بودند که رقبای ایران در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر هستند.

ابتدا دو تیم دختر مرکز طبی ۱ و ۵ به مصاف یکدیگر رفتند و سپس پسران مرکز پزشکی وارد زمین شدند.

اولین بازی آنها مقابل فوتبالیست‌ها بود و این دیدار با نتیجه ۶ بر ۳ به سود تیم فوتبال مرکز طبی کودکان به پایان رسید.

مسابقه بعدی بین تیم هنرمندان و پسران مرکز طبی برگزار شد. این دیدار هم با نتیجه ۵ بر ۵ به پایان رسید و تیم مرکز پزشکی کودکان در ضربات پانتهی پیروز شد. نمایندگان تیم ملی ایران در دیدار پایانی به مصاف هیأت امنای دانشگاه علوم پزشکی تهران رفتند که توانستند با پیروزی، این تیم را هم ببرند و قهرمان مسابقات شوند.

بچه‌های قهرمان در پایان مسابقات مدال‌های طلا گرفتند و جام قهرمانی را بالای سر بردند. امید همیشه جوانه می‌زند و به پار می‌کشند. به امید آنکه در جام جهانی بعدی تمام فوتبالیست‌های قهرمان ما و همه کودکانی که درگیر بیماری هستند با سلامتی و حال خوب جام را بالای سر ببرند.

